

و آمارهایی که اطلاع رسانی می کنند و لازم هم هستند کارکرد محدودی دارند. در واقع همه این اخبار و اطلاعات موقعی تا تأثیر گذاری اصلی خود را خواهند داشت که با هنر کامل شوند.

هنگامی که از بیان هنری در اشعار و
تشریح کرنا استفاده می‌کنیم بیش از هر
چیز بهتر است این بیان رویا باشد زیرا هر
چیز هنری به اندازه روایت نمایی‌اند به تشریح
هنرهای موسیقایی یا جسمی نیز نقش
دارند اما انسان‌بیش از هر هنری
از هنرهای «روایی» در مورد موضوعی
دقیقی پیدا می‌کند. فقط
استادان ساهلی که در مورد بخارهایی مانند
نوشته می‌شوند می‌توانند به بهترین
شکل شکلی از شافاتی را که جریان می‌یابد
برملائند.

همچنین لازم است در ضمن هر شناختی به عمق خاصی شناختی و انسان شناختی در مصیبت پرداخته شود. بنابراین اگر روانی نیز نمی تواند به طور مطلوب به بیان واقعی شقاوت کرونا پردازد، زیرا کرونا وضعیت انسان را نسبت به خودش بی رحمانه روی صحنه نمایش آورده است، به همین دلیل است که هر کسی می تواند یکی از نتایج کرونا به رخ کشیدن نادانی مان به حساب بگذارد. ما را به نادانی گسترده و مباهات عمیق مان آگاه می کند و هم درماندگی مان از تمام مصیبت های که در زمانه است تا به امروز رخ می دهد و حقارت هایی که کرونا موجب می شود به تصویر کشیده شود.

در این دیدگاه به قنات سبب سنان سم و خو،
 مایه مرگ می‌باشد یعنی اینکه دارای دو
 حیات را می‌تواند به مقاومت بکشد متضاد است، از یک سو
 حیات را می‌تواند بکشد و از سوی دیگر حیات را
 می‌تواند بکشد. همانطوری که شقاوت نیرویی
 دارد که می‌تواند بشر را تخریب کند به
 همان شکل نیز نیروی احیاءکننده
 می‌تواند بشر را احیاء کند. از تفاوت به عنوان
 پایه‌ای می‌توان در این نگاه، از تفاوت به عنوان
 پایه‌ای در جهت مقاومت استفاده می‌شود.
 تفاوت در نگاه گذشت فقط نیروهای منفی
 مانند درد را بیان نمی‌کند بلکه از آن
 نیرو می‌توان در جهت مقاومت و مبارزه
 نیز استفاده کرد. این همان رازی است که
 مثال از تئوریسمان دانش کردنی و انتظار
 دارد این نیرو بتواند این نیروی شگفت را
 در پهنای مردم به کار بگیرد. البته بهما
 کردن شقاوت و خوشنود و به کارگیری آن
 علی‌علیه خوش کار هر کسی نیست و نیازمند
 افرادی است که در این خصوص تجربه‌ها و
 آشنایی کافی داشته باشند و برای چنین
 مأموریتی تربیت شده باشند.

■ جمع بندی پایانی

[illegible]

هنر شقاوت بر اساس «زیبایی شناسی شقاوت» استوار شده است و برای خود ویژگی هایی دارد که بر آرایت آن ویژگی ها می تواند تأثیر گذاری خود را حفظ کند. این نوع آن هنر با توجه به رشته های گوناگون، عناصر و عوامل متفاوتی را مورد استفاده قرار می دهد که آرتو در تئاتر به آنها پرداخته است اما هر رشته های عناصر خاص خود را دارد. با این حال مبنای و بخش کم و بیش یکسانی برای این نوع آن زیبایی شناسی حاکم است.

انگیزش و شوریدگی بسیار فراهم می‌آورد.
 اراپن رو تاتار چون طاعون، به دماهل نیشتر
 می‌زند، تأثیرش بسان تأثیر بلیه‌ایست که برای
 انتقام جویی نازل شده است...» (نک ستاری
 ۱۳۹۰: ۶۳) این درد موجب می‌شود که یقین
 کنیم بیمار هستیم و باید راه علاجی جست.

از دیدگاه برخی نظریه‌پردازان کار هنر تعریف کردن یک دلیل و آرائشده در میان آرائشده‌نیست بلکه پیش و پیش از هر چیزی وظیفه دارد تا همین دلیل‌هایش را توصیف نماید و برای انسان، موقعیت و جایی که قرار دارد را تشریح کند. زیرا به تصویر کشیدن آرائشده و دور کردن افراد از وضعیت آرائشده که در آن زندگی می‌کنند هنر را به افقین تبذیل می‌کند. هنر نباید مظاهر و فراموشی و خودگی شود. بلکه باید تذکار و هوشیاری دهد. هنر می‌تواند به شکل مخدّر عمل کند که در حساس‌ترین وضعیت قرار از خود بی‌خود کرده و ارتباط او را با جهان واقعی قطع نماید. هیچ چیزی به اندازه هنر نمی‌تواند ارتباط انسان با واقعیت خدشه‌دار کند، زیرا اگر او مواد مخدر برای مدتی کوتاه قادرند چنین کنند، هنر با تغییر دادن نگرش‌ها می‌تواند افراد را برای همیشه تخدیر کند. اما در هر حال، هنر می‌تواند شور و شگرف و پیدای بخش باشد و برای این مورد نیز بیشترن ظرفیت‌ها را دارد.

گاهی حوادث واقعی در برگیرنده شقاوت و قساوتی هولناک هستند. بازتقلید و بازنامه‌ی آنها است که می‌توان آن را «واقعیت تاریخی» که اتفاق می‌افتد، بیان کرد یا «واقعیت مکتوم» که اتفاق می‌افتد و در ذهن و فهم ما راز آن را می‌پوشاند. بازنامه‌ی حوادث شقی زندگی روزمره با بیان شقاوت‌مندانه، ما را بیشتر به واقعیت تاریخی می‌کند و فهم ما را از آن واقعیت واقعی تاریخی می‌نماید. البته همانطور که گفته شد، این آرتو نیز می‌گوید اینکه از آثار نمی‌خواهند ترس مسعودی ایجاد نمایند بلکه در صدد آن هستند که هراس واقعی و طبیعی ایجاد نمایند. هراسی که موجب شود تا هم به «واقعیت تاریخی» آنها پی ببرند آگاهی یابند و هم تا حدی علت و نتایج آن را بازنگری شقاوت‌مندانه را «منوجه» بشوند. بنابراین «شقاوت» بخشی از واقعیت تاریخی روزمره زندگی شده است که قساوتی از آن جدا نمی‌شود و اینها نمود اغلب کوشش می‌شود اینها نمود.

در این معنا، شقاوت می تواند موجب آشنایی زدایی از عادات و پدیده های گرده که در کشور ما مشغول به کار کرده اند و امکان دیدن حقیقت هستی را بخشی از حقیقت هستی را فراهم می آورد. از روی نگار مخاطبش فرار نکند و ناتوان صحنه گریز و فرار شدن از شقاوت نیست و برعکس چهره واقعی شقاوت را در ناتوان به نمایش می گذارد. این درست بر خلاف برخی دیگر از هنرمندان است که ناتوان را به گریزگاه و پنهانگاه تبدیل می کنند تا آسانی رنجور بتواند لغتی بیاساید. نمایشی که می بیند و شد و باشد.

به همین دلیل، تاتار شقاوت تاتار
فراموشی نیست. وی از اینکه سالن نمایش
به فراخورخانه تبدیل شود مقاومت می کند و
می خواهد که نمایش به خوشین تار
صحنه مبارزه با شقاوت تبدیل شود و رویارویی
مستقیم صورت پذیرد. تاتار شقاوت مانند یک
سبلی است که آدم هرگز به هوش می آید.
بایدگاه از رویا باید گفت که هر نمایشی در دوران
بحرانی و برای مثال گروانی باید خشونت را به
تصویر بکشد، زیرا اگر تاتار نهاد خشونت است. به
بیلی دیگر، برای اینکه بتوان به بهترین شکل
ممکن به تشریح جرس پرداخت باید یک هنر
گروانی یعنی از جرس گروا داشت.

■ قدرت شقاوت

نمی‌شود به کرونا که تقدیم کرده و نمی‌شود.
دوران کروناهی شعر عاشقانه سرود. با
دست‌کم در پهنای نمی‌شود سبده که، بلکه
هر دورای گونه خود را دارد و گونه دوران
انسانی‌های بی‌گانه و شفاوت است. زیرا کرونا جان
هیولای هوشمند همانطور که از معناداری
ترازی دری گرفته می‌شود به مسیری بن‌بست
می‌کشد. در مقابل وضعیتی چنین تراژیک
باید از روش‌ها و حماسی بهره‌برد.
برخی مانند عادت کرده‌اند تا در هنر
انتظاری جز ملایمت و نرمی نداشته باشند و در
بدترین شرایط تغزلی ترین اشعار تاریخ خود را
نویسند. در این صورت هنر به وادی قراموشی
تبدیل می‌شود تا در آن آدم‌ها مصیبت‌های
خویش را یاد آورند و سپس به دنبال گشت
از واقعات بیرونی دچار نوعی نوستالژی بلکه
مالجولیا شوند. اما هنر که از هنرمندان
برخی از منتقدان نظر که البته اقلیت هستند
این است که هنر قدرت‌های دیگری هم دارد.
اگر کرونا و طاعون با خشنونت و قساوت بی‌حد
و مزه‌بیه میدان آید هنر نیز باید قساوت و
خشنوتی به مراتب بیشتر به نبرد با آن پردازد.
اگر از روزهای نخست طاعون به نبرد شفاوت

به بیان شقاوت کرونا رفته بودند و سقاوت پنهان این بیماری را افشا می کردند و آشکارا به رنج‌ها و مشقت‌هایی که بیماران را آن مبتلا شده بودند، می‌پراختند بی تردید مردم بسیار بیشتر و بهتر به سختن آیان توجه می کردند. دیگر یکبار نبود این آیان مسئول خواش کند یا این آیان پرستار و پزشک قربانی شوند و باز هم توجهی صورت نگیرد. اگر چهره منحوس و کربه این هیولا همانطور که هست به سست به تماشا گذاشته می شود مردم بسیار بیشتر مراقبت و احتیاط می کنند. باز آوری می شود که جدول‌ها



تبیین رابطه هنر و بیماری از دیدگاه «نظریه شقاوت» آنتون آرئو

شورشگری و پیدارگری هنر علیه شقاوت کرونا

و اگر ابرای می‌تینگ‌های تبلیغاتی دعوت می‌کنند، بسیار دیگر... در پاسخ برخی می‌گویند: ما کرونا را به سیاسی هستند؛ اعدای دیگر فکر می‌کنند که آن را تهدید می‌کند؛ اعدای نیز از این وضعیت... که کرده‌اند؛ اما اعدای نیز اظهار می‌دارند میان... (کرونا) گرفتار شده‌اند؛ از آنجایی که فقر شدید... می‌کنند ترس چیز می‌دهند توصیه‌ها را به خاطر... نیز گرفتار چیزی قوی تر از خودشان یعنی عادات... و اندازند!...



قدرت اندیشه و تحلیل متناسبی ندارند و چهار مردانگی، گنجی و یکدیگر هستند. حال در این شرایط چه باید کرد؟

بر اساس «نظریه شقاوت»، یکی از راه‌های مهم برخورد با شقاوت کرونایی «شقاوت هنری» است. به بیان دیگر به زبان خودش با کرونای برخورد. و بیان نیز به این هسهانی می‌ان موضوع و بی‌نهایت آگاهی دارد و به نقل از آرتو می‌نویسد: «نمایش در صورتی که بازی هنری بی‌هدف نباشد، در صورتی که فعال باشد و ارتباط خود را با نیروها برقرار سازد، ویژگی خطرناک و اسرار آمیزش را باز می‌یابد و شقاوت هستی که در بدن واقعیت است، یکی می‌شود.» از این نقطه نظر برای نشان دادن پدیده‌ای مناسب‌ترین شیوه استفاده از هم‌ان عنصر است. همجنس یک جنس به هم معرفی و هم در مقابله بهترین شیوه مقابله است.

■ بیان شقی

حال باید در مقابل این شقاوت چه کرد؟
گرونا با همه خشونت و وسواسی که دارد به
یوادم انسانی یورش آورده است. چگونه
باید این پدیده بر خورد نمود؟ به عبارت
دقیق تر، هرمنده چه وظیفه‌ای دارد و چه
ممکنی می‌تواند بکند؟ بخصوص اینکه
می‌داند مردم از نظر روحی و روانی بشدت در
خشار هستند و نسبت به این پدیده نیز واکنش
متناسی نشان نمی‌دهند. گویا هرکدام همچون
دیو و هیولایی مانند مموزا به آن‌ها نظر افکند
و همه را مسخر و متجذم کرده است. آن‌ها

ند. بد. روافع همه این اخبار و اطلاعات
های نخست جوامع با «هنر شقاوت»
آشکارا به رنج‌ها و مشقت‌هایی که
آنان از آن توجّه می‌کردند. دیگر نیاز
هم توجّه صورت نگرفت
و پیش از هر چیزی وظیفه دارد تا
شرعی کند
ندگی می‌کنند هنر را به افیون تبدیل
هند
هنر با تغییر دادن نگرش‌ها می‌تواند
اری بخش باشد و برای این مورد نیز
شدن و رد بر دین‌های شرایط تغلی‌ترین
تا در آن آدم‌ها صمیمیت خوبی
لکه مالیخولیا شوند

خواهند داشت که با هنر کامل شوند. اگر محققان و پژوهشگران با این رویکرد به کار خود بپردازند، می‌توانند به پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه‌های مختلف دست یابند. با این حال، باید به این نکته توجه داشت که هرچه بیشتر به این رویکرد متکی شویم، به اندازه‌ای که به خود اطمینان داشته باشیم، به اندازه‌ای که به خود اطمینان داشته باشیم، به اندازه‌ای که به خود اطمینان داشته باشیم.

و فریاد گوشخراشی برخوردار است تعجب نمی کردند.

وی نوشته‌ای دارد با عنوان «طاعون و طاعون»، که در آنجا با اشاره به طاعون به توصیف شقاوت‌های این بیماری می‌پردازد و می‌نویسد: «استه‌ای از طاعون‌زدگان سری انباشته از خیالات هولناک، زوزه‌شان خود را به کوچه‌ها می‌افکند. دردی که از درون به اعماق جسمشان تاخته و در تمامی اندام‌ها زود کرده، مانند قشقه‌های آتش‌زا از روح و روانشان فوران می‌زند. طاعون‌زدگان دیگر، بدون درد، بدون عده‌های چرکی و بدون هیولان و بروز علایم بیماری، با غرور رمان را در آینه‌ها می‌نگرند و در همان زمان که می‌پندارند از سلامتی کامل برخوردار هستند با ندهد تحقیر به سایر طاعون‌زدگان می‌نگرند، نادانانه می‌پای درمی‌آیند.» او توضیح می‌دهد که شقاوت‌مندانه طاعون را توصیف می‌کند؛ بکی کسانی که بدترین رنج‌ها و دردها را می‌کشند و دیگری که به نظر هولناکتر است و نشان چنان زود از پای درمی‌آیند که در همان چند لحظه به میزان همه این رنج‌های دیگران دچار وحشت و هراس می‌شوند.

همچنین در ادامه توصیفات دیگری دارد که بی‌شک، نویسنده را به یک طرفدار سرشاره قاید: آخرین بازمانده‌ای که طوطی دیگر می‌دهند، پسر که تا آن زمان مطیع و پارسا می‌بود به قتل پدر کمر می‌بندد و تمام اهالی و تنگ‌بانی‌ها بی‌پروایی دست به اعمال ناشایست و آشوب می‌زنند. آدم هزاره و عیال پاک و مطهر می‌شود و آدم خسیس سیم و زر خود را شمشت مشت از پنجره به بیرون پرتاب می‌کند، هم‌فرمان زرنده، همان شاهی که خط در گذشته خود را برای انکشان از خطر انداخته است به آتش می‌کشد، انسان آراسته خود را

می آید و در میان توده های استخوان مردگان به گردش می پردازد. برخی از فرازهای کتاب «طاعون» آلبر کامو نیز چنین است و چنان توصیفی می کند که خواننده احساس می کند طاعون گرفته و نفس اش بند می آید.

آرتو می گوشت تا تئاتری واقعی تئاتری صیل که قرن هاست فراموش شده را حیوانمید. در این نوع از تئاتر فاصله ها و

ابطه «هنر و بیماری» یا «هنرمند و مردم»

در دوران بحران‌ها بخصوص بحران‌های
 نزوح بیماری‌های واگیردار، پیردازد، در این
 موضوع نظر و نظریه‌های گوناگونی وجود
 دارد که برخی از آنها بر نقش هنر در درمان
 برخی دیگر بر نقش هنر در ایجاد آرامش
 تعدادی نیز بر نقش هنر هنر در هدایت
 تعدادی نیز بر نقش آن در اطلاع‌رسانی
 اکید می‌ورزند. در اینجا به یکی از نظریه‌های
 مهم هنری یعنی «نظریه شقاوت» آنتون اوتو
 اشاره و سپس گوشش می‌شود تا بواسطه آن
 به تشریح چگونگی مواجهه با کرونا پرداخته
 شود.

نظریه هنر شقاوت

آرتو که تماشاکر فعال بزرگ‌ترین حرکت‌های تاریخ بود، سر راست «نظریه تئاتر شقاوت» را ارائه می‌نماید. «شقاوت» نزد آرتو بیش از هر چیز مفهومی فلسفی تلقی می‌شود. تصویر نگارش وی را می‌توان به هستی یا تصویر می‌کشند. نظریه او بر این پایه استوار شده که جهان مملو از شقاوت است و از جلوه‌های این شقاوت، به بیماری‌هایی مانند طاعون اشاره دارد. یادآوری می‌شود که آرتو خونین‌ترین و خشن‌ترین جانی‌هایی بود و در نتیجه کرده است و آن قدر به واسطه این خشنوت‌ها در مورد خود که مدتی سر از آسایشگاه روانی در وادایر معنایی می‌چیزم که شقاوت را چنان استفاده می‌کند که هر مفهوم که خارج از اراده

انسان قرار می گیرد و برای انسان محدودیت ایجاد می کند جلوه‌ای از شقاوت محسوب می شود برای مثال اگر کسی دوست دارد زمین را به یک جزیره خوش آب و هوا یا به یک مکان معنوی باشد اما به هر دلیلی نمی تواند، خود بیانگر شقاوت است. بر همین اساس جهان را «تجلی گاه شقاوت» می پندارد.

اما برخی از پدیده‌ها بیش از دیگران این
سقاوت را به نمایش می‌گذارند. بیماری
خصوصی بیماری‌ها و اگر دارایی یکی از
بیماران هاست، بر همین اساس بود که یکی از
مهم‌ترین نوشته‌های وی به طاعون و تئاتر
تخصص یافته است. برنل در کتاب خود
«تئاتر و سقاوت» به نقل از آرتو،
می‌نویسد: «اندک بدبخت باید رنج بکشد،
اولین طبیعت است.» این محدودیت‌ها و
واضحه موجب می‌شود تا میان انسان و لذت
اصلی ایجاد شود و همین فاصله یعنی رنج
است.

تأثیر شقاوت از همه امکانات روی صحنه
 به جبهه خیره می‌برد و خود را از سیطره کلامی
 بی‌خارج می‌کند و رویایت بی‌کلام یا کم کلام
 ابجدی تأثیرگذاری بیشتر ترجیح می‌دهد.
 تأثیر در این وضعیت بر اساس حرکت‌های
 بدنی، نور، صدا و فضا استوار می‌شود. منظور
 صدا علاوه بر موسیقی، صداهای انسانی
 را می‌تواند باشد. ناله‌ها و صداهایی که غایب
 می‌توانند بیش از کلمه‌ها احساسات عمیق
 مانند رنج، مشقت، جدایی، ... و مرگ را
 بیان کنند. خود ارتعاش‌های زیادی از این
 تغییر ریزش کرده و همگام از اینکه چنین
 شدن لاغر و تحقیق از چنین صدای مهیب

وضعیت‌شناسی

موضوع کرونا یک موضوع پیچیده و ساله‌ای چندمجهولی است، به بیان دیگر، کرونا هم به‌شدت است، هم سیاسی، هم اقتصادی و هم فرهنگی، هم امنیتی هم حقوقی شده است، بنابراین فقط یک‌دسته‌ای قادر به حل مسائل ترسناک ساله هستند که شامل شناسایی برای این راه‌های بحرانی تربیت کرده باشند. آنها قادر به حل مسائل چندمجهولی باشند؛ برای آن که در چنین موقعیتی نه تنها فقط خود و منافع خود یا گروه سیاسی فکر نکنند و از دانش و تجربه، هوش و مردم‌داری آنها بهره‌مند باشند که متأسفانه در سطح جهان بخصوص جهان معاصر بسیار کم هستند. نه اینکه چنین آدم‌های شایسته‌ای نمی‌شوند بلکه این آدم‌ها غالب نیستند زیرا همین ویژگی‌ها به بار دارند. بسیاری معاصر خطرناک تلقی می‌شود. کسی که بیش از هر چیز به منافع مردم خود و نمایان و با احادی برای مصالح مردم خصوصاً شایسته‌ای آنها مایل نکند بخرد و در پذیرش فراموش نمی‌گیرد. همه‌نظام‌ها نمی‌توانند اکثریت این‌ها از چنین افرادی ریز می‌کنند. به سؤی اشخاص تملق و گویند، بنابراین محض هستند و در نتیجه آنها در این‌جهان‌هایی با ناتوانی عیان خود، گاهی یک تشدید مصائب می‌گردند.

اما به دور از همه این نگرش‌های کان، برپستی که مهم بلکه اساسی هستند این شش‌تار قصد دارد به عبرت بیانی و هنری به همه پزدارد. به عبارت دیگر می‌خواهد قیمت بیان و نوع بیان در تشریح مسائل بحران‌ها بخصوص بحران کرونا را مورد دید قرار دهد. یک‌شک برای انسان‌ها، رنگ و چاند وجهی و همه به‌طور همزمان دلالت‌های چندگانه‌ی کوانتومی صورت پذیرد؛ زیرا ادغامه متفاوت هستند و هر کدام زبان جوه دریافت مخصوصی دارند. اگر خواسته باشیم فقط یک مثال بیاوریم می‌توانیم به یکی از نرپه‌های شخصیت‌شناسی ارجاع دهیم. بر اساس یکی از شخصیت‌شناسی‌ها به بیم «پوئگ» منسوب است شخصیت‌ها به سه گروه بزرگ تقسیم می‌شوند: «فکری»، «حسی» و «اشهودی» (شاپرویدی). یعنی کسانی که همه انسان‌ها این چهار ویژگی را به‌طور همزمان دارند اما یکی از آنها غالب‌تر دارد و در پی می‌انسان می‌توان آنها را دسته‌بندی کرد.

نتیجه اینکه همه افراد جامعه به طور مساوی در مورد درک و دریافت نتایج تست‌های مصلوبی درک و دریافت نتایج تست‌های مصلوبی که اطلاعاتی داده می‌شود در مورد بیماری و میزان ابتلا به آن، برخی آمارها جری‌تری می‌گیرند و برخی، تئوری می‌پذیرند. عکس‌گویی برنامه نامایی می‌تواند نزد دعوای دیگر بسیار تاثیرگذار باشد و نزد دیگران، خمیازه‌ای (افراد گوناگون) دید تفاوت شیمیایی این است. اگر به تفاوت‌ها توجه نشود نتیجه مورد انتظار اغلب موارد حاصل نمی‌گردد و می‌تواند آقایی ناخواسته داشته‌باشد.